

چرا شیعیان در نماز

از «مُهر» استفاده می‌کنند؟

کے رضا سلم آبادی *

مقدمه

یکی از سؤالاتی که برادران مسلمان از شیعیان می‌پرسند، این است که چرا شیعیان در نماز از «مُهر» استفاده می‌کنند؟ گاهی به دلیل عدم اطلاع از سنت نبوی ﷺ بر اثر تبلیغات تفرقه افکنانه، برخی این موضوع را از متفردات شیعه و نقطه ضعفی برای شیعیان می‌دانند. با مراجعه به منابع اسلامی، به ویژه منابع اهل سنت موضوع به طور کامل عوض می‌شود؛ یعنی نه تنها استفاده از مهر بد نیست، بلکه مطابق سنت شریف پیامبر ﷺ و عمل صحابه و نقطه قوتی برای شیعیان است.

در این مقاله سعی می‌کنیم بعد از ذکر چند نکته، سنت نبوی ﷺ را در قالب پاسخ به چند سؤال بیان کنیم و حقیقت را آشکار کنیم.

*. عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت.

دلیل استفاده شیعیان از مهر چیست؟

سجده کردن بر مهر می‌تواند از مسایلی باشد که موجب اتفاق و وحدت بین مسلمانان شود؛ زیرا مسلمانان از شیعه و سنی و عالمان آنها در صحت سجده بر خاک، سنگ و آنچه فقهای شیعه سجده بر آن را صحیح می‌شمارند، اتفاق نظر دارند و بین مذاهب اسلامی در این مسئله اختلافی نیست. البته تبعیت از عقل و سنت صریح نبوی نیکوست و آنچه مذموم است، پیروی از تعصبات کور و بی‌منطق است.

مسئله دیگری که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند این است که سجده فقط برای خدا جایز است و سجده کردن «بر روی چیزی» غیر از پرستش و سجده کردن برای آن چیز است. سجده بر خاک، سجده برای خاک نیست و سجده بر فرش نیز پرستش فرش نیست. برخی پیشانی را فقط بر روی زمین و یا رویدنی‌های غیر خوردنی و پوشیدنی می‌گذارند و برخی گذاشتن پیشانی را بر روی غیر اینها نیز جایز می‌دانند. کسی که پیشانی را بر روی زمین، سنگ و مهر (تربت) می‌گذارد، آن را نمی‌پرستد؛ همان طوری که سجده بر روی فرش و پارچه پرستش آنها نیست. مهم این است که به سنت پیامبر ﷺ تمسک کنیم و سجده را که از واجبات نماز است، صحیح انجام دهیم.

از حیث اسم و جنس «تربت» از تراب گرفته شده است؛ یعنی کلمه «تربت» از کلمه «تراب» و جنس «تربت» نیز از تراب است. تربت خاکی است که با آب مخلوط و خشک می‌کنند و به دلیل طهارت، پاکیزگی و آسان بودن حمل آن، جهت استفاده در مسافرت یا جایی که «ما یصح السجود علیه» یافت نمی‌شود و یا یافتن آن دشوار است، از آن استفاده می‌کنند.

آنچه در تاریخ آمده است و در آن اتفاق نظر است این است که زمان پیامبر ﷺ خانه‌ها و مساجد مفروش به فرش‌های پشمی و نخی نبود و کف آنها خاک، ماسه و یا حصیر بود. گاهی پوست گوسفند و امثال آن را هنگام نشستن خود یا مهمان روی زمین

پهن می‌کردند؛ از این رو برای سجده کردن نیازی به گذاشتن مُهر نبود و بر همان خاک، ماسه و یا حصیر کف اتاق سجده می‌کردند.

با گذشت زمان، کف خانه‌ها و مساجد با فرش‌های ماشینی، نمدی، نخ‌ی، پشمی و موکت فرش شد و استفاده از سنگ و خاک برای سجده متداول گشت. همراه داشتن خاک به دلیل احتمال ریختن و خاکی شدن لباس‌ها، خانه‌ها و مساجد مشکل بود. برخی از مسلمانان مقداری خاک پاک را پس از گِل کردن خشک می‌کردند تا حمل آن آسان شود و محیط زندگی نیز تمیزتر باشد. عرب‌زبانان به آن «تربت» می‌گویند و در میان فارسی‌زبانان به «مُهر» معروف است.

اینک برآنیم تا حقیقت سنت شریف نبوی ﷺ را در قالب چند پرسش و پاسخ بیان کنیم:

۱. شیوه رسول خدا ﷺ و اصحاب آن حضرت در سجده چه بوده است؟

مسلم است در زمان رسول خدا ﷺ فرش‌های ماشینی و مانند آن وجود نداشت و نسبت دادن این مطلب به سنت، تحریف آشکار سنت نبوی است، بلکه بدعت است.^۱

﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾. (حشر: ۷)

در روایات شیعه و سنی نقل شده است که پیامبر اعظم ﷺ بر زمین یا بر اشیای ساخته شده از گیاهان مانند حصیر سجده می‌کردند.

در اینجا چند روایت که بیان‌کننده سنت رسول خدا ﷺ و شیوه اصحاب آن حضرت است را نقل می‌کنیم:

۱. ترجیح‌بند سلفی‌ها در هر چیزی که آن را بدعت می‌شمارند این است که «إن كل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة» یا می‌گویند «البدعة كل ما احدث على غير مثال سابق» و مسلم است که فرش‌های ماشینی و نظایر آن، چیزهای جدیدی هستند که هرگز زمان پیامبر ﷺ وجود نداشته‌اند.

حدیث مشهور بین شیعه و سنی که مستفیض و نزدیک به متواتر است: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا!» (زمین برای من محل سجده و پاک‌کننده قرار داده شده است).
 این حدیث در منابع مختلف شیعه^۱ و اهل سنت^۲ ذکر شده است.
 «وائل بن حجر» می‌گوید: «پیامبر ﷺ را دیدم که هرگاه سجده می‌کرد پیشانی و بینی‌اش را بر زمین می‌گذاشت».^۳
 «ابوخمید الساعدی» در توصیف سجده پیامبر ﷺ می‌گوید: «هنگامی که سجده می‌نمود، پیشانی و بینی خود را بر زمین می‌نهاد».^۴
 «أبوسعيد خدری» در حدیثی می‌گوید: «پیامبر ﷺ برای ما نماز خواند و من دیدم آثار گِل و آب را بر پیشانی و اطراف بینی او».^۵
 «عایشه» همسر آن حضرت می‌گوید: «هرگز ندیدم پیامبر ﷺ هنگام سجده پیشانی‌اش را با چیزی [از گذاشتن مستقیم بر زمین] محافظت کند».^۶

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۴؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۵۵؛ الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۸۸؛ بشارة المصطفی، عماد الدین الطبری، ص ۱۰۳؛ دعائم الإسلام، قاضی نعمان، ج ۱، ص ۱۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۰.
۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۳۵، ج ۶، ص ۲۲؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۱۸؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ سنن النسائی، ج ۲، ص ۵۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۳؛ سنن الدارمی، فی الصلاة، ص ۱۱۱؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۲۲۲، ج ۲، ص ۴۳۳؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۵۰ و ۳۰۷، ج ۲، ص ۲۰۴، ۲۲۲، ۲۵۰، ۴۱۲. و ...
۳. روی وائل بن حجر الحضرمی، قال: «رأيت النبي صلى الله عليه [وآله] وسلم، اذا سجد وضع جبهته وأنفه على الأرض». مسند احمد، ج ۴، ص ۳۱۷؛ احكام القرآن، للخصاص، ج ۵، ص ۲۶.
۴. ابوخمید الساعدی، فقد روی فی حدیثه الذی وصف به صلاة النبي ﷺ فقال و هو یصف سجوده: «كان إذا سجد أمکن جبهته وأنفه من الأرض». سنن الترمذی، ج ۲، ص ۵۹؛ قال الترمذی، حسن صحیح.
۵. ابوسعيد الخدری، قال فی حدیث له جاء فی آخره: «فصلی بنا رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم رأيت الطين والماء على جبهته صلى الله عليه [وآله] وسلم وأرنبته». صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶۲؛ الموطأ لمالك برواية الشيباني، ص ۱۶۷.
۶. عن عایشه: «ما رأيت النبي صلى الله عليه [وآله] وسلم متقیاً وجهه بشي، تعني في السجود». كنز العمال، السجود و ما يتعلق به؛ مسند عبدالله بن عباس، ج ۸، ص ۱۳۰، ح ۲۲۲۴۱.

و در حدیث دیگر می‌گوید: «آن حضرت حصیری داشتند که آن را پهن می‌کردند و بر روی آن نماز می‌خواندند».^۱

«ام سلمه» همسر پیامبر ﷺ از آن حضرت نقل می‌کند که فرمودند: «صورتت را به خاطر خدا خاکی کن».^۲

«خالد الخذاء» گوید: «رسول خدا ﷺ صهیب را دیدند که سجده می‌کند، اما مواظب است خاکی نشود (از خاک فاصله می‌گیرد) به او فرمودند: ای صهیب صورتت را خاکی کن (بر خاک بگذار)».^۳

«ابن عباس» می‌گوید: «پیامبر ﷺ بر سنگ سجده می‌کرد».^۴

«جابر بن عبدالله» می‌گوید: «زمانی که هنگام ظهر، با رسول خدا ﷺ نماز می‌خواندم، مشتی سنگ‌ریزه بر می‌داشتم تا سرد شود و بر آنها سجده کنم».^۵

«انس بن مالک» می‌گوید: «ما با رسول خدا ﷺ در شدت گرما نماز می‌خواندیم، پس هر یک از ما مقداری سنگ‌ریزه با دست خود برمی‌داشت تا سرد شود و بگذارد و بر آن سجده کند».^۶

۱. عن عایشه: «ان النبي صلى الله عليه [وآله] وسلم كان له حصير يسطه و يصلي عليه». فتح الباری، کتاب الصلاة، باب ۲۰، الصلاة على الحصير، ج ۱، ص ۴۹۱.

۲. «ترب وجهك لله تعالى»؛ كنز العمال، متقی هندی، ج ۷، ص ۴۶۵، ح ۱۹۸۰۹.

۳. عن خالد الخذاء قال: «رأى النبي ﷺ صهيباً يسجد كأنه يتقي التراب فقال له النبي ﷺ: ترب وجهك يا صهيب»؛ المصنف، عبدالرزاق بن همام، باب الصلاة على الصفا والتراب، ج ۱، ص ۳۹۱، ح ۱۵۲۸؛ كنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۵، ح ۱۹۸۱۰.

۴. عن ابن عباس: «إن النبي ﷺ سجد على الحجر». مستدرک، حاکم، ج ۳، ص ۴۷۳؛ ذهبی، ج ۱، ص ۶۴۶.

۵. عن جابر بن عبدالله قال: «كنت أصلي مع رسول الله ﷺ فأخذ قبضة من حصي في كفي لتبرد حتى أسجد عليه من شدة الحر». سنن الكبرى، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۲۷.

۶. عن انس بن مالك قال: «كنا نصلي مع رسول الله ﷺ في شدة الحر فيأخذ أحدنا الحصاء في يده فيأذا برد وضعه و سجد عليه». سنن الكبرى، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۶.

از «ابن عمر» نقل شده است که گفت: «شبی باران آمد و زمین خیس شده بود، پس هر کس سنگ‌ریزه‌ها را در دامن لباسش جمع می‌نمود [و هنگام نماز خواندن] زیر خود پهن می‌کرد [و بر آن نماز می‌خواند].^۱

«عمر بن خطاب» می‌گوید:

شبی باران آمد، پس برای [اقامه] نماز صبح بیرون آمدیم، هر که از مسیل در دامن لباس خود سنگ‌ریزه‌ها را جمع می‌نمود، سپس بر روی آنها نماز می‌گزارد. هنگامی که رسول خدا ﷺ این امر را مشاهده کردند، فرمودند: چه خوب بساطی است (فرشی است). پس این اول قضیه سنگ‌ریزه‌ها بود.^۲

«عیاض بن عبدالله قرشی» گوید: «رسول خدا ﷺ مردی را دیدند که [در حال نماز] بر گوشه عمامه‌اش سجده می‌کرد، حضرت به او اشاره کردند که عمامه‌ات را بالا ببر و اشاره کردند به پیشانی‌اش».^۳

امام علی علیه السلام فرمودند: «هرگاه یکی از شما نماز می‌خواند، عمامه را از پیشانی بالا بزند [تا بر زمین سجده کند]».^۴

«نافع» گوید: «هرگاه عبدالله بن عمر می‌خواست سجده کند و در آن حال عمامه به سر داشت، عمامه‌اش را بالا می‌زد تا پیشانی‌اش را بر زمین بگذارد».^۵

۱. سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۷۵؛ سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲. قال عمر بن خطاب: «مطرنا من الليل فخرجنا لصلاة الغداة، فجعل الرجل يمر على البطحاء فيجعل في ثوبه من الحصباء فيصلي عليه، فلما رأى رسول الله ﷺ ذاك، قال: ما احسن هذا البساط، فكان ذلك أول بدء الحصباء».

۳. عن عياض بن عبدالله قرشي قال: «رأى رسول الله ﷺ رجلاً يسجد على كورعمامته، فأومأ بيده: ارفع عمامتك، وأومأ إلى جبهته». سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴. قال علي أمير المؤمنين عليه السلام: «إذا كان أحدكم يصلي فليحسر العمامة عن جبهته». سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۵. قال النافع: «إن عبدالله بن عمر كان إذا سجد و عليه العمامة يرفعها حتى يضع جبهته بالأرض». سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

«صالح بن حیوان سبائی» گوید: «رسول خدا ﷺ مردی را دیدند که در کنار ایشان سجده می‌کرد و عمامه‌اش را بر روی پیشانی‌اش آورده بود، سپس رسول خدا ﷺ عمامه او را از پیشانی‌اش بالا زد»^۱.

در «سنن» آمده است: «عبادة بن صامت زمانی که به نماز می‌ایستاد پیشانی را از عمامه برهنه می‌کرد»^۲.

«ابو عبیده» گوید: «ابن مسعود نماز نمی‌خواند یا سجده نمی‌کرد، مگر بر زمین»^۳.

«انس بن مالک» گفته است:

جدهام ملیکه، پیامبر ﷺ را برای تناول طعامی که برای آن حضرت درست کرده بود دعوت نمود، حضرت از آن غذا میل کرد و سپس فرمود: برخیزید تا برایتان نماز بخوانم. انس گوید: حصیری داشتیم که از استفاده زیاد سیاه شده بود، به وسیله آب آن را تمییز نمودم، سپس رسول خدا ﷺ بر روی آن ایستاد و من و پسر بچه پشت آن حضرت و پیرزن پشت سر ما^۴.

ابن عباس گفته است: «رسول خدا ﷺ بر خمره نماز می‌خواندند»^۵.

«خمره» به زیراندازی گفته می‌شود که از الیاف درخت خرما یا نر بافته می‌شود.

۱. عن صالح بن حیوان السبائی قال: «إن رسول الله ﷺ رأى رجلاً يسجد بجنبه و قد اعتم على جبهته، فحسر رسول الله ﷺ عن جبهته». سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. «كان عبادة بن الصامت إذا اقام إلى الصلاة حسر العمامة عن جبهته». سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. عن ابی عبیده قال: «إن ابن مسعود كان لا یصلي أو لا یسجد إلا على الارض». مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۷.

۴. عن انس بن مالک، قال: «إن جدته ملیكة دعت رسول الله ﷺ لطعام صنعته له. فأكل منه ثم قال: قوموا لأصلي لكم. قال انس: فقمتم إلى حصير لنا قد اسود من طول ما لبس فضحنته براء. فقام رسول الله ﷺ و صفتت و التيمم و راءه، و العجوز من ورائنا». صحيح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۱.

۵. عن ابن عباس قال: «كان رسول الله ﷺ يصلي على الخمره»؛ صحيح ترمذی، ج ۲، ص ۱۲۶. ایشان از امام ابن عربی المالکی نقل کرده که: «خمره، حصیر نماز است».

«ابوسعید خدری» گفته: «بر رسول خدا ﷺ وارد شدم، دیدم آن حضرت را که بر روی حصیری نماز می‌خواند و بر همان سجده می‌کند».^۱

همسر رسول خدا ﷺ «میمونه» - ام‌المؤمنین - گوید: «رسول خدا ﷺ نماز می‌خواند و من کنار او می‌ایستادم و چه بسا لباسش هنگام سجده به من می‌خورد و آن حضرت بر روی خمره نماز می‌گزارد».^۲

«عبدالله بن عمر» گوید: «رسول خدا ﷺ همواره بر روی خمره نماز می‌خواند و بر آن سجده می‌نمود».^۳

«انس بن مالک» نیز گفته است: «رسول خدا ﷺ همواره بر روی خمره نماز می‌خواند و بر آن سجده می‌نمود».^۴

«ام سلمه» - ام‌المؤمنین - گوید: «رسول خدا ﷺ حصیر و خمره‌ای داشت که بر روی آن نماز می‌خواند».^۵

«بیهقی» از «خباب بن أرت» چنین روایت می‌کند: «از شدت گرما و سوزش پیشانی و کف دست‌هایمان به پیامبر ﷺ شکایت کردیم، ولی آن حضرت شکایت ما را نپذیرفت».^۶

۱. عن ابی سعید الخدری قال: «إنه دخل علی النبی، فرأیته یصلی علی حصیر یسجد علیه»؛ صحیح مسلم، ج ۲، صص ۶۲ و ۱۲۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۱.
۲. عن میمونه - ام المؤمنین - قالت: «کان رسول الله ﷺ یصلی وأنا حذائه، و ربّما اصابني ثوبه إذا سجد، و کان یصلی علی خمره»؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۰؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۷؛ سنن بیهقی، ج ۲، ص ۴۲۱.
۳. عن ابن عمر قال: «کان رسول الله ﷺ یصلی علی الخمره و یسجد علیها».
۴. عن انس بن مالک قال: «کان رسول الله ﷺ یصلی علی الخمره و یسجد علیها»؛ الاوسط، للطبرانی، مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۵۷.
۵. عن ام سلمه - ام المؤمنین - قالت: «کان لرسول الله ﷺ حصیر و خمره یصلی علیها»؛ همان.
۶. عن خباب بن أرت قال: «شکونا إلی رسول الله ﷺ شدة الرمضاء فی جباهنا و أكفنا فلم یشکنا»؛ سنن بیهقی، ج ۱، ص ۴۳۸ و ج ۲، صص ۱۰۵ - ۱۰۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۳۳.

اینها برخی از روایاتی است که بر جواز (یا بهتر است بگوییم سنت بودن) سجده بر زمین، سنگ و آنچه از زمین می‌روید و مأكول و ملبوس نیست، دلالت دارد. روایت صحیحی بر جواز سجده به غیر از آنچه ذکر شد، وجود ندارد، مگر در صورت حرج که شیعه و سنی سجده بر غیر اینها را جایز می‌دانند.

نتیجه‌گیری از این روایات

با توجه به مجموع این روایات که عمده روایات در این موضوع است این نتایج به دست می‌آید:

- پیامبر ﷺ و اصحاب آن بزرگوار بر زمین سجده می‌کردند حتی در هوای بارانی که زمین مسجد گلی بود یا در هوای گرم و سوزان که بر اثر آن پیشانی مردم اذیت می‌شد.
- پیامبر ﷺ، بر سنگ، سنگ‌ریزه حصیر و خمره (که از لیف خرما درست می‌شد) سجده می‌کردند.

- پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام از پوشاندن پیشانی با عمامه در هنگام نماز نهی کرده‌اند و نیز پیامبر ﷺ از سجده بر گوشه عمامه آشکارا نهی فرموده است؛ از این رو اصحاب آن حضرت بر عمامه خود سجده نمی‌کردند.

در مجموع دلیلی بر جواز سجده بر غیر زمین و آنچه از آن می‌روید و مأكول و ملبوس نیست، نداریم؛ از این رو مشروع نیست و بدعت خواهد بود. هیچ شکی نیست که در زمان پیامبر ﷺ و اصحاب و تابعین، فرش‌های ماشینی و مانند آن وجود نداشته است و سجده بر آنها مخالف سنت است؛ بنابراین حرام و خود بدعتی آشکار است.

۲. استفاده از مُهر از چه زمانی رایج شده است؟

با بررسی منصفانه منابع اسلامی مشخص می‌شود که استفاده از مُهر در صدر اسلام بوده و بعدها به اقتضای زمان، استفاده آن گسترده شده است. برای نمونه به دو روایت اشاره می‌کنیم:

– «ابن ابی شیبیه» در کتاب «المصنف» آورده «مسروق بن اجدع» (که یکی از تابعین، شخصیت‌های علمی، جزء رجال برجسته و از راویان حدیث است و نزد علما مقام و منزلتی ویژه دارد) از خاک مدینه خشتی ساخته بود و هرگاه سفر می‌کرد آن خشت را همراه خود به داخل کشتی می‌برد تا به هنگام نماز بر آن سجده کند.^۱

– «ازرقی» از «رزین» غلام ابن عباس نقل کرده‌اند که او می‌گفت: «علی بن عبدالله بن عباس»، برای من نوشت، که قطعه سنگ صافی از سنگ‌های مروه برای من بفرست که روی آن سجده کنم.^۲

۳. نظر فقهای شیعه درباره آنچه می‌توان بر آن سجده نمود چیست؟

نکته: فقهای شیعه می‌گویند هرگاه به هنگام نماز، نمازگزار پیشانی خود را بر روی زمینی که خاک پاک و یا سنگ پاک است بگذارد، نیازی به گذاشتن مهر نیست.

در دیدگاه فقهای شیعه، تنها سجده بر زمین و رویدنی‌های آن (به غیر از خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها) جایز است، اما سجده بر خاک که از اجزاء زمین است، فضیلت بیشتری دارد؛ زیرا حکمت سجده، اظهار تواضع و فروتنی در برابر خداوند است و سجده بر خاک، موجب خضوع و فروتنی بیشتر در برابر پروردگار جهان است. این همان حکمی است که از احادیث و سیره رسول خدا ﷺ و صحابه آن حضرت استفاده می‌شود (مجموعه احادیث سنت و سیره رسول خدا ﷺ و صحابه آن حضرت در پاسخ سؤال اول بیان شد).

۱. المصنف، لابن ابی شیبیه... عن ابن سیرین، قال: «ثبت أن مسروقاً كان إذا سافر حمل معه في السفينة لينة يسجد عليها»؛ المصنف، ابن ابی شیبیه، ص ۲۷۰. لینه یعنی خشت خام، مقداری خاک به هم چسبیده، گل خشکیده که به شکل مکعب مربع یا مستطیل و در اندازه‌های گوناگون ساخته می‌شود.

۲. عن أبي عبينه، قال: سمعت رزین، مولى ابن عباس يقول: «كتب إلي علي بن عبدالله بن عباس - أن يعث إلي بلوح من حجارة المروة أسجد عليه»؛ أخبار مكة، محمد بن عبدالله ازرقی، ج ۲، ص ۱۵۱.

بعد از روایاتی که از پیامبر ﷺ و اصحاب آن حضرت نقل شد، چند نمونه از روایات اهل بیت آن حضرت را نقل می‌کنیم:

در کتاب «وسایل الشیعه»، چنین می‌خوانیم:

«اسحاق بن فضیل» از امام ابی عبدالله ﷺ (جعفر بن محمد صادق ﷺ)، درباره سجده بر حصیر و بوریا سؤال کرد، آن حضرت در پاسخ فرمود: اشکال ندارد، اما اگر بر زمین سجده شود برای من خوشایندتر است؛ زیرا رسول خدا ﷺ دوست داشت چنین کند و پیشانی خود را بر زمین نهد. من نیز همان را برای تو دوست دارم که پیامبر گرامی ﷺ برای خود دوست داشت.^۱

در جای دیگر می‌فرماید: «سجده بر زمین، حکم الهی و فریضه است و سجده بر خمره (نوعی حصیر)، سنت پیامبر ﷺ است».^۲

۴. نظر فقهی سایر فرق اسلامی در این باره چیست؟

اهل سنت سجده بر زمین و آنچه از آن می‌روید (غیر از خوردنی و پوشیدنی) را صحیح می‌دانند و از این جهت با شیعه اشتراک نظر دارند، اما آنها، سجده بر پوشیدنی‌ها، فرش‌های ماشینی و امثال آن را نیز صحیح می‌دانند. با دقت در ادله قول به صحت سجده بر فرش و لباس، مشخص می‌شود که سجده بر این‌گونه چیزها غیر از زمان اضطرار صحیح نیست؛ زیرا ادله آن بسیار ضعیف و سست است.

از روایاتی که بیان شد، سنت پیامبر ﷺ و نظر اهل بیت ﷺ و عمل اصحاب به وضوح روشن شد که سجده بر زمین و آنچه از آن می‌روید (به غیر از مأكول و ملبوس) صحیح است. و اما بیشتر از آن نیاز به دلیل دارد.

۱. «و عن اسحاق بن الفضیل أنه سأل أبا عبد الله ﷺ عن السجود على الحصير والبوراي، فقال: لا بأس وان يسجد على الأرض أحب إلي فان

رسول الله ﷺ كان يحب ذلك ان يمكن جهة من الأرض، فانا أحب لك ما كان رسول الله ﷺ يحبه»؛ وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۶۰۹.

۲. «السجود على الارض فریضة و على الخمره سنة»؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۵۹۳.

ادله ارائه شده اهل سنت مربوط به حالت عذر است و از آنها مطلق جواز را نمی‌توان اثبات کرد؛ مانند:

«انس بن مالک می‌گوید: به هنگام گرمای شدید با پیامبر ﷺ نماز می‌خواندیم، پس هرگاه یکی از ما نمی‌توانست پیشانی خود را بر زمین قرار دهد لباس خود را پهن می‌کرد و بر آن سجده می‌نمود»^۱.

البته این روایت بیانگر فعل پیامبر ﷺ و یا تقریر و تأیید آن حضرت نیست و از سوی دیگر روشن شد که پیامبر ﷺ به شکایت «خباب بن اُرت» درباره گرمای زیاد توجه نفرمودند؛ بنابراین اگر چنین کاری صحیح بود پیامبر ﷺ به او می‌فرمود چنین انجام دهد و یا خود خباب این کار را انجام می‌داد و به پیامبر شکایت نمی‌کرد. این روایت با روایت دیگر انس متعارض است، آنجا که نقل می‌کند: «ما با رسول خدا ﷺ در شدت گرما نماز می‌خواندیم، پس هر یک از ما مقداری سنگ‌ریزه با دست خود برمی‌داشت تا سرد شود و بگذارد تا بر آن سجده نماید»^۲.

همچنین با چند روایت دیگر که حاکی از نهی پیامبر ﷺ از این کار است تعارض دارد از جمله: روایت «عیاض بن عبدالله قرشی» که گفته است: «رسول خدا ﷺ مردی را دیدند که [در حال نماز] بر گوشه عمامه‌اش سجده می‌کرد، حضرت به او اشاره کردند که عمامه‌ات را بالا بزن و به پیشانی‌اش اشاره کردند»^۳.

۱. «... عن انس بن مالك قال كنا نصلي مع رسول الله في شدة الحر فإذا لم يستطع أحدنا أن يمکن جبهته من الأرض بسط ثوبه فسجد عليه»

صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۳۳؛ همچنین این روایت با همین مضمون در صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۰۴ آمده است. و نیز با همین مضمون در صحیح ابن خزیمه، ج ۱، ص ۳۳۶؛ سنن البیهقی الکبری، ج ۲، ص ۱۰۵ وارد شده است.

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۳۳؛ سنن الکبری، ج ۱، ص ۴۳۸ و ج ۲، ص ۱۰۵ - ۱۰۷.

۳. عن انس بن مالك قال: «كنا نصلي مع رسول الله ﷺ في شدة الحر فيأخذ أحدنا الحصباء في يده فإذا برد وضعه و سجد عليه»؛ سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. عن عیاض بن عبدالله قرشی قال: «رأی رسول الله ﷺ رجلاً يسجد علی كور عمامته، فأومأ بیده: ارفع عمامتك، وأوماً إلی جبهته»؛ سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

و روایت «صالح بن حیوان» که گفته است: «رسول خدا مردی را دیدند که در کنار ایشان سجده می‌کرد و عمامه‌اش را بر روی پیشانی‌اش آورده بود، پس رسول خدا ﷺ عمامه او را از پیشانی بالا زد»^۱.

همچنین با روایت امام علی علیه السلام^۲ و روایت نافع درباره عمل «عبدالله بن عمر»^۳ و نیز عمل «عبادة بن صامت»^۴ تعارض دارد.

در نتیجه روایت انس (که می‌گوید بر گوشه عمامه سجده می‌کردند)، توان معارضه با سایر روایات صریح را ندارد و در نهایت باید آن را به زمان اضطرار یا عذر حمل کرد. روایاتی که اهل سنت براساس آنها فتوا داده‌اند با روایت انس که در مجموع دوازده روایت است و مفهوم برخی از آنها مشابه با هم هستند، توان معارضه ندارد. با دقت در این روایات می‌توان گفت، این روایات یا در حال اضطرار و عذر بوده است و یا مشکل سند و دلالت دارد؛ از این رو توان معارضه با مجموع روایات سابق را ندارد. مرحوم استاد «احمدی میانجی رحمته الله» بعد از نقل این روایات دلایلی را بر رد آنها بیان کرده است که خلاصه آن چنین است:

این همه روایاتی بود که قائلین به جواز سجده بر لباس و فرش به آنها استناد نموده‌اند، لکن تدبر در سایر ادله و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه بدان عمل نموده‌اند، اقتضاء می‌کند که نمی‌توان بر این روایات اعتماد نمود. اشکال در این روایات از چند جهت روشن است:

۱. عن صالح بن حیوان السبائی قال: «إن رسول الله ﷺ رأى رجلاً يسجد بجنبه و قد اتم على جبهته، فحس رسول الله ﷺ عن

جبهته»؛ سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. سنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. همان.

۴. همان.

۱. این روایات بر فرض قبول آنها از جهت سند و دلالت، توان مقابله با روایات متواتر و متضافر که دلالت بر حصر جواز سجده را بر زمین داشت، ندارد.

۲. بزرگان فقهای اهل سنت جواز سجده بر غیر زمین را منحصر به حال اضطرار می‌دانند؛ مانند: امام شافعی، امام مالک، بخاری، نسائی، دارمی، ابن ماجه، شوکانی، ابن حجر و ...

۳. بیهقی حدیث سجده بر گوشه عمامه را رد کرده است و نووی گفته است: «ان العلماء مجمعون علی ان المختار مباشرة للارض و أما المروي عن النبي ﷺ: انه سجد علی کور عمامته فلیس بصحیح...».

۴. آنچه از روایاتی را که بر نماز و سجده بر بساط دلالت می‌نمایند، نمی‌توان به لباس تعمیم داد زیرا روایات فراوانی دلالت دارند بر اینکه بساط در آن زمان از حصیر و برگ درخت خرما بوده است و در اینکه بر نباتات می‌توان سجده نمود، اشکالی نیست.^۱

۵. علت عدم جواز سجده بر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها از نظر شیعیان چیست؟

برای آشنایی با علتی که برای سجده نکردن بر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها ذکر شده است، فرمایش امام صادق علیه السلام را نقل می‌کنیم:

هشام بن حکم از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: سجده بر چه چیزهایی جایز است و بر چه چیزهایی جایز نیست؟ آن حضرت پاسخ دادند: سجده جایز نیست مگر بر زمین یا آنچه از زمین می‌روید و خوردنی و پوشیدنی نیست.

هشام عرض کرد: جانم به فدایت علت و رمز این حکم چیست؟

امام صادق علیه السلام پاسخ دادند: چون سجده خضوع و فروتنی برای خداوند است، سزاوار

۱. السجود علی الارض، علی احمدی، صص ۹۱ - ۹۸.

نیست بر روی خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها انجام شود؛ زیرا طرفداران دنیا، بنده خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها هستند [در واقع این بندگان دنیا هستند که خضوع در برابر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها می‌کنند] و سجده‌کننده در حال عبادت خداوند است و سزاوار نیست بر معبود و مسجود اهل دنیا، سجده کند.^۱

سجده بر خاک روشن‌ترین مصداق تواضع و اظهار کوچکی در برابر خداوند است و شاید حکمت آن دور شدن انسان از تکبر است.

«طریحی» از علمای شیعه و «ابن اثیر» از علمای اهل سنت روایتی از پیامبر گرامی ﷺ نقل می‌کنند که فرمودند: «هرگاه فردی از شما نماز خواند! پیشانی و بینی‌اش را به زمین بچسباند تا تکبر از او بیرون رود».^۲

۶. دلیل سجده بر تربت حضرت امام حسین علیه السلام چیست؟

شیعیان به پیروی از سنت پیامبر ﷺ سجده بر خاک را افضل از چیزهای دیگر می‌دانند و بنابراین سجده بر تربت «صعیداً طیباً» که به پاکی آن یقین داشته باشد، در اولویت است و تفاوتی بین خاک‌ها نیست؛ مهم این است که پاک باشد. همان طوری که مسلمان به طهارت بدن و لباس خود اهمیت می‌دهد، باید به پاکیزگی و طهارت سجده‌گاه خود نیز در حضر و سفر توجه کند، اما ممکن است در سفر یا برخی مکان‌ها خاک طاهر یافت نشود؛ از این رو همراه داشتن خاک اهمیت پیدا می‌کند.

بعد از آنکه وجوب سجده بر زمین یا چیزی که از زمین می‌روید، روشن شد و از

۱. عن هشام بن الحكم أنه قال لأبي عبدالله عليه السلام: «أخبرني عما يجوز السجود عليه و عما لا يجوز. قال: السجود لا يجوز إلا على الأرض، أو على ما أثبتت الأرض ألا ما أكل أو ليس فقال: جعلت فداك ما العلة في ذلك؟ قال: لأن السجود خضوع لله عز وجل، فلا ينبغي أن يكون على ما يؤكل و يلبس لأن أبناء الدنيا عبيد ما يأكلون و يلبسون و الساجد في سجوده في عبادة الله عز وجل، فلا ينبغي أن يضع جبهته في سجوده على معبود أبناء الدنيا الذين اغتروا بغرورها الحديث»؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ابواب ما یسجد علیه باب ۱، ص ۵۹۱.

۲. «إذا صلی احدکم فلیلزم جبهته و انفه الأرض حتی ینخرج منه الرغم»؛ مجمع البحرین، طریحی، ماده رغم، ج ۶، ص ۷۴؛ النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ابن اثیر، ماده رغم، ج ۲، ص ۲۳۹.

طرفی دانستیم در همه جا خاک طاهر به راحتی در دسترس نیست، عقل سلیم به رجحان همراه داشتن تربت پاک حکم می‌کند و از طرفی مانعی شرعی بر این کار نیست. و این همان کاری است که «مسروق بن اجدع» هنگام مسافرت انجام می‌داد و کسی او را به شرک متهم و تکفیر نکرد.

سجده بر تربت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام به دلایل زیر مستحب است:

الف) عقل می‌پذیرد که برخی سرزمین‌ها و مکان‌ها فضیلت بیشتری به سرزمین‌ها و مکان‌های دیگر داشته باشد، همچنان‌که مکان‌های مختلف احکام مختلفی دارند؛ مانند: موقوفات، مسجد محل، مسجد جامع، مسجد الحرام و... . همچنان‌که جایگاه افراد مختلف از جهت فضیلت متفاوت است؛ مانند: انبیا، اوصیا، اولیا، شهدا، صدیقین، مؤمنین و... .

ب) فضیلت حرم مکه، مسجدالحرام، مسجدالنبی و کعبه معظمه، به دلیل آیات و روایات درباره جایگاه آنها و منسوب بودن این اماکن مقدس به خدای سبحان، بر همگان روشن است.

ج) یکی از سرزمین‌های مقدس از دیدگاه روایات اسلامی، سرزمین کربلا است که قربانگاه فرزندان پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله و در رأس آنها، سبط پیامبر صلی الله علیه و آله، جگرگوشه علی علیه السلام و زهرا علیها السلام، از اصحاب کسا، از ابناء در قرآن کریم در قصه مباحله، از مصادیق «هل أتی» مصباح الهدی و سفینة الجناة؛ یعنی حسین بن علی علیه السلام است. خاکی که رمز عبودیت و نشانه‌های توحید و فنا شدن در راه خداست.

در اینجا برخی از روایات معتبری را که درباره جایگاه ویژه کربلا در کتب روایی مسلمانان، به ویژه برادران اهل سنت، وارد شده است، بیان می‌کنیم تا ارزش و قداست کربلا و خاک آن روشن شود:

الف) «ابن حجر هیثمی» در «الصواعق المحرقة» چنین روایت کرده است:

حسین علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد گردید و به سرعت به جانب آن حضرت شتافت و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله او را بوسید. یکی از ملائکه (احتمالاً جبرئیل که در آنجا حضور داشت) پرسید: آیا او (حسین) را دوست می‌داری؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری. آن فرشته گفت: امت تو او را به شهادت خواهند رساند و اگر بخواهید جایگاه شهادت وی را به شما نشان خواهم داد. سپس مقداری از ریگ و یا خاک قرمز رنگ آورد، و ام‌سلمه (همسر رسول خدا) آن خاک را گرفت و در لباس خود قرار داد.

«ثابت» گفته است: آن سرزمین را کربلا می‌نامیدیم.

در حدیث دیگری آمده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آن خاک را بویید و فرمود: «این خاک، بوی کرب (اندوه) و بلا می‌دهد».^۱

ب) همچنین «ابن حجر» از «ابن سعد» و او از «شعبی» چنین روایت می‌کند:

علی بن ابی طالب علیه السلام در راه صفین، از سرزمین کربلا عبور کرد و حوالی نینوا که روستایی بر ساحل فرات است، رسید، در آنجا توقف نمود و از اسم آن سرزمین سؤال کرد؛ در پاسخ آن حضرت گفته شد: نام آن کربلا است. آن حضرت چنان گریست که زمین از اشک او مرطوب گشت، آن‌گاه فرمود: روزی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم، درحالی که آن حضرت گریان بود. پرسیدم: سبب گریه شما چیست؟ فرمود: چند لحظه قبل، جبرئیل نزد من بود و به من خبر داد که فرزندم حسین، در کنار شط فرات، در محلی که کربلا نامیده می‌شود، کشته خواهد شد.

۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۲.

«... إذ دخل الحسين فاقتم فوثب علي رسول الله صلی الله علیه و آله فجعل رسول الله صلی الله علیه و آله يلثمه و يقبله، فقال له الملك: أتحبه؟ قال: نعم، قال: ان أمتك ستقتله وإن شئت أريك المكان الذي يقتل به فأراه فجاء بسهولة أو تراب أحر، فأخذته أم سلمة فجعلته في ثوبها.

قال ثابت: كنا نقول انها كربلاء.

واخرجه أيضاً أبو حاتم في صحيحه. وروى أحمد نحوه. وروى عبدالله بن حميد و ابن احمد نحوه أيضاً... و زاد الثاني أيضاً أنه صلی الله علیه و آله شتمه و قال: «ريح كرب و بلاء».

آن‌گاه جبرئیل یک مشت از آن خاک را به من داد تا ببویم؛ از این رو نمی‌توانم
چشمانم را از گریستن بازدارم.^۱

ج) ابن حجر در جای دیگر چنین حکایت می‌کند:

جبرئیل به پیامبر گرامی ﷺ خبر داد که امت شما او را خواهند کشت. پیامبر ﷺ
پرسیدند: فرزند مرا؟ جبرئیل پاسخ داد: آری و اگر بخواهید، سرزمینی را که در آن
شهید خواهد شد به شما نشان خواهم داد، سپس به سرزمین «طف» (کربلا) در
عراق اشاره نمود و از آنجا تربت سرخ رنگی را آورد و به رسول خدا ﷺ نشان داد
و گفت: این خاک، محل شهادت اوست.^۲

د) در «وسائل الشیعه» نیز آمده است: ابو عبدالله (امام جعفر بن محمد صادق ﷺ)
کیسه‌ای زرد رنگ از جنس دیبا داشت که مقداری از تربت امام حسین ﷺ در آن کیسه
بود و هنگام نماز، آن را بر روی سجاده می‌نهاد و بر آن سجده می‌کرد.^۳
اینها نمونه‌هایی از احادیث بود که جایگاه و فضیلت خاک پاک کربلا را نشان
می‌دهد.

۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۳.

«مرّ علی رضی الله عنه بکربلاء عند مسیره إلى صفین و حاذی نینوی - قرية علی الفرات - فوقف و سأل عن اسم هذه الأرض فقيل:
کربلاء، فبکی حتی بلّ الأرض من دموعه ثم قال: دخلت علی رسول الله ﷺ و هو یبکی فقلت: ما یبکیک؟ قال: کان عندي جبرئیل
آنفاً و أخبرني أنّ ولدي الحسين یقتل بشاطئ الفرات بموضع یقال له کربلاء، ثم قبض جبرئیل قبضة من تراب شمّتی اياه، فلم أملك
عینای أن فاضتا».

۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۳.

«... فقال جبرئیل: ستقتله أمتک. فقال ﷺ: ابني؟ قال: نعم و إن شئت اخبرتك الأرض التي یقتل فیها فأشار جبرئیل بیده إلى الطّف
بالعراق، فأخذ منها تربة حمراء فأراه اياه و قال: هذه من تربة مصرعه».

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۶۰۸.

«کان لأبي عبدالله - جعفر بن محمد ﷺ خريطة من ديباج صفراء فیها من تربة أبي عبدالله ﷺ فكان إذا حضرته الصلاة صبّه علی سجّادته و
سجد علیه».

پیش‌تر گذشت که مسروق بن اجدع، فقیه تابعی، از خاک مدینه برای خود خشتی ساخته بود و در مسافرت همراه خود می‌برد و نیز علی بن عبدالله بن عباس برای سجده کردن از سنگ مروه طلب کرد. سؤال این است خاک مدینه و سنگ مروه چه خصوصیتی دارند که برای سجده انتخاب شده‌اند؟

شیعه سجده بر تربت کربلا را با تمسک به این دلایل مستحب می‌داند.

برای مطالعه بیشتر می‌توانید به این منابع مراجعه کنید:

۱. السجود علی التربة الحسينية، محمدمهدی السید حسن الموسوی الخرسان، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ هـ. ق.
۲. حول المسح علی الرجلین و السجود علی الارض، خلیفة عبید الکلبانی العمانی، دارالعصمة، سنابس، بحرین، ۱۴۲۸ هـ. ق.
۳. السجود علی الارض، علی احمدی، مؤسسه در راه حق، قم، بی تا.
۴. سجده بر تربت یا نهایت تواضع در ...، سیدرضا حسینی نسب، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ هـ. ش.
۵. حکمت سجده بر تربت پاک سیدالشهداء، روح الله عباسی، (برگزیده کتاب سیرتنا و سنتنا، علامه امینی)، زائر، قم، ۱۳۸۷ هـ. ش.
۶. مُهرِ نماز، محمد عباس عطایی اصفهانی، انتشارات حضرت عباس علیه السلام، قم، ۱۳۸۷ هـ. ش.

